

« زن و مطالعات خانوادہ »

سال دوم - شماره ۸ - تابستان ۱۳۸۹

ص ۶۹-۹۳

مطالعه رابطه بین نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور شهرمیان‌دوآب

مهرداد سلیمان‌پور اصل^۱

دکتر حسین بنی فاطمه^۲

چکیده

شناخت نظام ارزش‌ها و رابطه آن با مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر، به سبب وجود ظرفیت‌های مناسب جامعه دانشجویی و رغبت وافر زنان برای سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این پژوهش رابطه میان نظام ارزش‌ها و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه پیام نور میان‌دوآب در نمونه‌ای به اندازه ۳۵۲ نفر مورد مطالعه قرار گرفته است و حجم این نمونه به وسیله فرمول کوکران به دست آمده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه بوده است و روش تحقیق پیمایشی است. ابعاد شش‌گانه نظام ارزش‌ها از نظریه ارزشی آلپورت گرفته شده است. نتایج به دست آمده از انجام آزمون‌های آماری نظیر آزمون تی و آزمون ضریب همبستگی، حاکی از این واقعیت است که بین ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و علمی با مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. و دانشجویان دختر و پسر از نظر نظام ارزش‌ها و مشارکت اجتماعی متفاوت هستند. بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان مشارکت اجتماعی در میان دانشجویان مورد مطالعه با میانگین ۷۷/۶۶ در سطح بالایی قرار داشته و میانگین مشارکت اجتماعی دختران بیش از پسران می‌باشد.

واژگان کلیدی: نظام ارزش‌ها، مشارکت اجتماعی، جنسیت، دانشجویان

E- mail: soleimanpour3@gmail.com

۱- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۲- استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

مقدمه

مسئله مشارکت اجتماعی که مشتمل بر انواع کنش‌های فردی و جمعی و در جهت تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است، در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که تقریباً تمامی راهبردهای مربوط به توسعه از مشارکت به عنوان عنصر کلیدی یاد می‌کنند، به‌ویژه آن که مشارکت یکی از ارکان توسعه انسانی پایدار است (ساروخانی، امیر پناهی، ۱۳۸۵: ۳۲). توسعه‌ی پایدار، بسط حوزه عمومی، دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی، شکوفایی اقتصادی و در یک کلام تحقق جامعه مدنی، بیش از هر چیز در پرتو حضور آگاهانه و مشارکت همه اقشار و افراد جامعه در عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و نیز حوزه‌های گوناگون مدیریتی محقق می‌گردد. اما چنین به نظر می‌رسد که در جوامع پیشادموکراتیک و توسعه نیافته که اغلب با سیستمی اقتدارگرا و تمامیت خواه اداره می‌شوند، پیش‌نیازها و الزامات مشارکت اجتماعی مردم جدی گرفته نشده و مشارکت کالایی و ویتزینی و تزئینی محسوب می‌شود که در سطحی نازل و در ابعادی نارسا به آن پرداخته شده و از طریق انسداد اجتماعی، راه مشارکت آگاهانه و سازنده مردم مسدود می‌گردد.

درک دو مسئله مهم جامعه شناختی یعنی تغییرات اجتماعی و نظم اجتماعی، نیازمند فهم ارزش‌های اجتماعی است. بدون مطالعه ارزش‌ها و تغییرات آن‌ها قادر به درک تحولات اجتماعی نخواهیم بود، هم‌چنان که برای فهم نظم اجتماعی از ارزش‌ها بی‌نیاز نیستیم. به‌ویژه در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژیک، اجتماعی و سیاسی، فرهنگ‌های جوامع گوناگون را دست‌خوش تحول و دگرگونی ساخته است. اگر چه دگرگونی فرهنگی تدریجی است، اما بازتاب آن در عرصه‌های گوناگون زندگی مردم جوامع آشکار می‌شود. از این رو برای درک انگیزه‌ها، اعتقادات و اقدامات مردم راهی جز درک عناصر فرهنگی و دگرگونی‌های رخ داده در بخش‌های گوناگون آن در پیش رو نداریم و از آن‌جا که یکی از مهم‌ترین و درونی‌ترین لایه‌های فرهنگ هر جامعه را ارزش‌های آن تشکیل می‌دهند، مطالعه و بررسی ارزش‌های جوامع و تحولات گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... خواهد بود (سفیری و شریفی، ۱۳۸۴: ۷۸).

در کشور ما ایران نقش زنان در عرصه اجتماع و ایفای نقش فعال در جامعه باعث شده است که روند توسعه سیاسی، اقتصادی تحت تأثیر قرار بگیرد. چرا که زنان توانستند قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را به خوبی نشان دهند. اما در زمینه مدیریتی حضور زنان در پست‌های مدیریتی و دولتی چندان توسعه چشم‌گیری نداشته است. به طور مثال طبق آمار در سال ۱۳۷۸ حضور زنان در پست‌های مدیریتی و دستگاه‌های دولتی ۳ هزار و ۲۹ نفر معادل ۵/۲ درصد از کل مدیریت و سرپرستی دستگاه‌های دولتی بود. بر اساس همین آمار زنان ۱/۴ درصد از پست‌های معاونت و ۱۴ درصد از پست‌های مدیریت کل و عناوین مشابه دستگاه‌های دولتی و اجرایی را به خود اختصاص داده‌اند و این بیانگر این است که میزان پست‌هایی را که زنان نسبت به مردان اشغال کرده‌اند بسیار کمتر است و این تنها به دلیل نبودن مهارت کافی

نبوده بلکه باورهای سنتی و سایر عوامل مرتبط با این امر، موانع و مشکلاتی را در این زمینه بوجود آورده است (قنبری، ۱۳۸۰: ۱۱).

پایگاه زنان در جامعه ایران در چند دهه اخیر تحولاتی را تجربه نموده که از دیدگاه‌های توسعه زمان خود تبعیت کرده است. توده‌ی زنان که غالباً در جامعه‌ی ایرانی در حاشیه‌ی مناسبات اجتماعی و سیاسی نگه داشته شده و نقش آن‌ها در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی نادیده گرفته شده است، با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به ارتقاء توان مندی‌های خود دست یازیده و هم‌اکنون طالب سهم بیش‌تری از مدیریت خانواده و جامعه است و انتظار پایگاه و موقعیت‌های بالاتری را دارد. در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی این آرزو متعلق به طبقه‌ی کوچکی از زنان (نخبگان) بود اما امروزه با حضور بیش‌تر زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و پیوستن سهم قابل توجهی از دختران طبقه اقتصادی پایین‌تر و سنتی‌تر به جمع نخبگان، به یک خواست نسبتاً گسترده تبدیل شده است (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۲۵۵). علی‌رغم وجود این تمایل و اشتیاق وافر برای مشارکت و بروز نشانه‌هایی هرچند کم سو در پرداختن به بسترها و الزامات مشارکت زنان، در یک نگاه کلی می‌توان گفت، ضعف مشارکت جوانان، دانشجویان و به خصوص زنان در مباحث مدیریتی، امورات صنفی و مسائل سیاسی و اجتماعی، امروزه کم و بیش بر محیط‌های علمی و فضای دانشگاهی سنگینی می‌کند، که این امر به نوبه خود باعث کم‌تحرکی و بی‌رمقی محیط‌های دانشجویی شده و خلاء حاصل از عدم بروز و ظهور تولیدات علمی و دانشجویی را نمایان‌تر می‌سازد. از این رو کاویدن کنه و ریشه‌ی عدم تمایل به مشارکت فعالانه و خلاقانه، در میان دانشجویان، به منظور شناخت و فائق آمدن بر موانع و مهیا ساختن الزامات و پیش‌نیازهای اولیه مشارکت، امری ضروری و حیاتی می‌نماید. از آن جایی که نظام ارزشی در عمل راهنمای کنش و رفتار بشری است و نظام ارزشی هر فرد تعیین‌کننده‌ی رفتارها و کنش‌های اجتماعی اوست، می‌توان با شناخت نظام ارزشی و گرایش‌های ذهنی اقدار و طبقات متفاوت جامعه به خصوص جوانان، دانشجویان و زنان، تحلیل، تبیین و پیش‌بینی نسبتاً دقیق و جامعی از کنش فردی و اجتماعی‌شان به عمل آورد و از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در جهت نیل به ایجاد و یا نظارت بر تحولات فرهنگی و اجتماعی و نیز برپایی نظم و ثبات اجتماعی و سیاسی بهره‌مند گردید. با این اوصاف و با تأکید بر نیاز جامعه به بررسی رابطه بین نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر، هدف اصلی این پژوهش نیز بر این مبنا قرار گرفته است.

پیشینه تجربی

پژوهشی با عنوان بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران صورت پذیرفته است. این بررسی توسط کاوه تیموری (۱۳۷۷) در بین دانش‌آموزان سوم دبیرستان و پدران‌شان با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای صورت گرفته است. از این تحقیق نتایج ذیل حاصل شده است که عبارتند از:

اولویت‌های ارزشی پدران به ترتیب شامل: ارزش‌های مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، سیاسی و هنری است.

اولویت‌های ارزشی پسران به ترتیب شامل: ارزش‌های اقتصادی، علمی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و هنری است.

پدران و پسران در مورد ارزش‌های اقتصادی، علمی و سیاسی دارای کمترین اختلاف ارزشی و در مورد ارزش‌های اجتماعی، مذهبی و هنری دارای بیش‌ترین تفاوت ارزشی هستند. با بالا رفتن پایگاه اجتماعی از تفاوت در ارزش‌های علمی پدران و پسران کاسته می‌گردد. همچنین بین تفاوت نظام ارزش‌های پسران و پدران و متغیرهایی چون بعد خانوار، میزان ارتباط با گروه هم‌سالان، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، اوقات فراغت مسافرت به خارج، منطقه سکونت، اختلاف سن پدران و پسران، میزان سن پدران رابطه‌های معکوس و مستقیم به دست آمده است.

ویچه کا (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «موانع مشارکت اجتماعی زنان در کامبوج»، عوامل فرهنگی چون سنت‌گرایی و نفوذ مردسالاری را عمده‌ترین مانع مشارکت زنان می‌داند. او معتقد است که در کامبوج، زنان با ویژگی‌هایی چون نجابت، وظیفه‌شناسی، مقید بودن و حق‌شناسی نسبت به والدین در نظر گرفته می‌شوند و به دلیل این فشارهای فرهنگی، زنان کامبوج بدون هیچ شناختی، از ارزش‌های فرهنگی پیروی می‌کنند (Vicheka, 2005: 3).

ویلینگر (۲۰۰۰) پژوهشی را تحت عنوان «زنان در آموزش عالی لوتزیانا» انجام داد. او در پژوهش خود به این نتیجه رسید که علل عدم دست‌یابی زنان به پست‌های عالی تصمیم‌گیری در آموزش عالی و علل عدم مشارکت زنان تداوم جنسیتی در مورد زنان است. مهم‌ترین یافته‌ی این پژوهش این بود که زنان با تبعیضی مواجه‌اند که توانایی آن‌ها را برای مشارکت در جامعه و احراز سمت‌های بالای آموزش عالی و مشارکت در جامعه کاهش می‌دهد (Willinger, 2000: 9). «بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز بر نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان» عنوان پایان‌نامه‌ای است که در سال ۱۳۷۴ توسط آقای یوسف باور انجام شده است. این پژوهش در شهرستان شیراز انجام شده و داده‌ها از یک نمونه ۵۷۵ نفری گردآوری شده‌اند و نتایج تحقیق بدین شرح بوده است: متغیرهای جنس، میزان تحصیلات پدر و مادر، منزلت شغل پدر، محل سکونت والدین، محل سکونت فرد قبل از دیپلم و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده رابطه‌ای معنی‌داری با متغیر وابسته (نگرش نسبت به مشارکت سیاسی زنان) داشته‌اند و متغیرهای وضعیت اشتغال مادر، سن، وضعیت اشتغال فرد، میزان درآمد پدر رابطه‌ی معنی‌داری با نگرش نسبت به مشارکت سیاسی زنان نداشته‌اند (باور، ۱۳۷۴: ۴۵).

دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده و یوسف باور تحقیقی را با عنوان «نگرش دانشجویان دختر به مشارکت سیاسی زنان» انجام داده‌اند. متغیرهای مستقل تحقیق عبارتند از: پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، موقعیت اجتماعی دانشجویان و ویژگی‌های اجتماعی دانشجویان و متغیر وابسته تحقیق، نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی زنان می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه شیراز

است که تعداد ۵۹۹ نفر از این دانشجویان به صورت نمونه انتخاب شده است. نتایج حاصله بیانگر این است که متغیرهای رشته تحصیلی، وضعیت تأهل، سن، مقطع تحصیلی، وضعیت اشتغال و درآمد پدر با متغیر وابسته یعنی نگرش نسبت به مشارکت سیاسی زنان، رابطه معنی‌داری نشان نداده‌اند، در حالی که بین متغیرهای منزلت شغلی پدر و تحصیلات مادر و پدر با نگرش نسبت به مشارکت زنان رابطه معنی‌داری مشاهده گردید و در حالت کلی بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده یا نگرش نسبت به مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی‌داری مشاهده شد (شیری، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۶).

مبانی نظری

مسئله‌ی مشارکت اجتماعی و مقوله‌ی ارزش‌ها از جمله‌ی مفاهیم جامعه‌شناختی است که از دیدگاه‌های گوناگون مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است. در چارچوب نظری این پژوهش به بررسی دو متغیر «مشارکت اجتماعی» و «نظام ارزش‌ها» در پرتو نگاه جنسیتی پرداخته شده است. در حوزه مشارکت از نظریه‌های مربوط به توسعه و مشارکت هم چون نظریه‌ی هانتینگتون، مدل مشارکتی لیپست و مدل فیش باین و آیزن و در حوزه ارزش‌ها از نظریه‌هایی هم چون نظریه سایبرنتیکی پارسونز، نظریه ارزشی اینگلهارت و نظریه ارزشی آلپورت بهره گرفته شده است. در بحث نگاه جنسیتی به مسئله‌ی مشارکت از نظریه‌هایی مانند نظریه‌ی فمینیسم^۱ رادیکال، توان‌مند سازی زنان و نیز نظریه‌ی قشربندی جنسیتی جانت چافتز استفاده شده است.

نظریه‌های مربوط به توسعه و مشارکت

هانتینگتون معتقد است که توسعه و مشارکت نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگرا می‌باشد. از نظر وی انسان سنتی، همیشه توقع ساکن بودن، عدم تغییر در طبیعت و جامعه را دارد، ولی انسان نوین با نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مختلفی رو به رو است. او امکان هر تغییر و دگرگونی را قبول دارد و خود را با آن‌ها وفق می‌دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۴). هانتینگتون، هم‌چنین رابطه متغیرهای سن، سطح تحصیلات، درآمد و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. از دیدگاه هانتینگتون، فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی دو مجرای تحرک اجتماعی است. بدین صورت که کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر، به نوبه خود در فرد احساس توان‌مندی و نگرش‌های معطوف به توانایی تأثیرگذاردن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های اجتماعی و عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا امور سیاسی باشد. در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و موثر بودن از نظر اجتماعی و سیاسی، به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آید. از نظر آنان، از میان متغیرهای منزلتی، سطح تحصیلات فرد بیش‌ترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی و سیاسی، به عنوان

1-Feminism

متغیرهای میانی، مشوق مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی فرد دارد. طریق دوم تاثیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بر امر مشارکت، فعالیت‌های سازمانی، یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع علائق خاص و ...) است که احتمال مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش می‌دهد. این عامل را جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آن‌ها محدودتر است اهمیت بیش‌تری دارد، زیرا فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر، به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی احزاب سیاسی می‌پردازد. در مجموع از دیدگاه هانتینگتون، در اثرگذاری این دو عامل (منزلت اجتماعی و اقتصادی و دخالت در فعالیت‌های اجتماعی و سازمان‌ها) عامل دوم از اهمیت بیش‌تری برخوردار است (همان، ۵۵).

لیپست^۱ از دیگر نظریه پردازان مشارکت و توسعه است که در مدل خود می‌کوشد براساس متغیرهای اجتماعی، پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروه‌های مختلف را در پویای اجتماعی تبیین کند. مدل لیپست بر آن است که پدیده مشارکت اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی را براساس چندین عامل کلی اجتماعی در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی نظیر انتخابات، انجمن‌ها، سندیکاها، کارگری، شوراهای محلی و نظایر آن تبیین کند. بدین معنا که معتقد است میزان مشارکت در فرآیندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیل کرده، متاهلین، شهرنشینان، افراد میان سال و نیز افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراها بیشتر است (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۰).

مهم‌ترین تئوری که به طور مستقیم به رفتار و گرایش مربوط می‌شود مدل آیزن و فیش باین است که می‌توان از آن برای تبیین رفتار مشارکتی استفاده نمود. در قالب این مدل برای تبیین رفتار ابتدا باید به آمادگی و یا گرایش، بروز رفتار و یا انجام عمل توجه نمود زیرا گرایش و آمادگی برای رفتار مقدم بر خود رفتار و عمل می‌باشد. به نظر آن‌ها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه ما قبل بروز رفتار قصد و نیت برای انجام یک رفتار است. نیت نیز تابع دو متغیر دیگر است:

هر یک از متغیرهای گرایش به رفتار و هنجار ذهنی نیز تحت تأثیر متغیرهای دیگری هستند. متغیر گرایش به رفتار تحت تأثیر دو متغیر انتظار فایده و ارزیابی فایده است.

۱. ارزیابی فایده: یعنی شخص ارزیابی می‌کند که آیا پدیده مورد نظر برای او فایده داشته است (یا نه).

۲. انتظار فایده: بدین معناست که یک شخص تا چه حد از یک پدیده، انتظار فایده دارد.

متغیر هنجار ذهنی تحت تأثیر دو متغیر انتظار دیگران به خصوص دیگران مهم و انگیزه پیروی از انتظارات دیگران است (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۱-۸).

نظریه‌های تبیین‌کننده‌ی ارزش‌ها

آلپورت تصویر خوش‌بینانه‌ای از ماهیت انسان عرضه می‌کند که در آن مردم به وسیله رویدادهای دروان کودکی هدایت نمی‌شوند، بلکه کنترل آگاهانه خود را در دست دارند و به صورتی خلاق یک سبک زندگی رضایت‌بخش را برای خود طراحی می‌کنند و از طریق این نیاز فطری به خود مختاری، فردیت و خویشتن‌یافتگی رشد می‌کنند. وی دیدگاهی انسان‌گرایانه در قضاوت نسبت به رفتار انسان داشت و معتقد بود که آدمی ارزش‌هایش را می‌شناسد و این‌که کدام یک از ارزش‌ها از قدرت و تسلط بیش‌تری بر رفتار داشته باشند، انگیزه حرکت انسان را شکل می‌دهند. وی شخصیت را به عنوان چیزی که توسط علائق و گرایش‌ها مشخص می‌شود در نظر می‌گیرد. آلپورت یک آزمون روان‌شناختی به نام مطالعه ارزش ساخت تا ارزش‌های فرد را ارزیابی کند که مؤلفه‌های آن به قرار زیرند:

۱. ارزش‌های نظری: که با کشف حقیقت ارتباط دارند و یا رویکردهای ذهنی و عقلانی نسبت به زندگی مشخص می‌شوند.
۲. ارزش‌های اقتصادی: یا آنچه مفید و عملی است، سروکار دارند.
۳. ارزش‌های اجتماعی: به روابط نوع دوستی و بشر دوستی مربوط می‌شوند.
۴. ارزش‌های زیبایی‌شناختی: به تجربه‌های هنری، زیبایی و شکل هماهنگی مربوط می‌شوند.
۵. ارزش‌های سیاسی: توجه آن‌ها به توان شخصی و نفوذی است که در تمام فعالیت‌ها نشان داده می‌شوند و نه فقط در سیاست.
۶. ارزش‌های دینی: به امور عرفانی و درک جهان به صورت یک پل ارتباطی پیدا می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶: ۲۹۶).

در نظریه ارزشی اینگلهارت^۱ که مبتنی بر فرضیه کمیابی است، به مفهوم سلسله مراتب نیازها اشاره می‌شود و این‌که نیازهای ارضا نشده مادی بر نیازهای ذهنی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی تقدم دارند. در فرضیه کمیابی، اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اوست، و شخص بیش‌ترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۷۵).

پارسونز «علم نظام‌ها»^۲ را سایبرنتیک می‌نامد. سایبرنتیک بدین معناست که هر نظامی به وسیله خرده نظامی کنترل می‌شود که از نظر اطلاعات در بالاترین سطح و از نظر انرژی در پایین‌ترین سطح است. بنابراین می‌توان در خرده نظام‌ها نوعی سلسله مراتب ایجاد کرد که پایین‌ترین آن‌ها بیش‌ترین انرژی، اما کم‌ترین اطلاعات را دارد. بدین ترتیب خرده نظام‌های پایین‌تر انرژی را به بالا می‌فرستند و خرده نظام‌های کنترل‌کننده بالاتر، اطلاعات را از بالا به پایین می‌فرستند (کرایب، ۱۳۷۸: ۶۳). بنابراین نظام کنش مانند هر سیستم فعالی محل گردش بی‌وقفه انرژی و اطلاعات است. این مبادله‌ها میان اجزای

1- Ingelhart

2- Cybernetic

نظام است که کنش نظام را بر می‌انگیزد. از دید روشه (۱۳۷۶) «سلسله مراتب سایبرنتیکی به یک معنا در نظر پارسونز در آن واحد هم اصل نظم است و هم اصل تغییر»، اصل نظم است چون به کارکرد یگانگی اجزای نظام نظارت دارد. اصل تغییر است چون جهت واکنش دو نوع عامل‌ها، (عامل‌های وصفی و عامل‌های نظارت کننده) را تعیین می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ۹۰-۸۸).

نظریه‌های مربوط به جنسیت

چافتز^۱ معتقد است که مردان منابع مادی و قدرت را در کنترل خود دارند و از این برتری عمده برای تعریف اجتماعی جنسیت و توجیه ایدئولوژیک این موقعیت‌های نابرابر نیز استفاده می‌کنند و این قدرت فرهنگی شده را در تنظیم روابط و برخوردهای در سطح خرد و در نهاد و روابط بین شخصی نیز به کار می‌گیرند. کارکرد این تعاریف اجتماعی و فرهنگی شده در مناسبات جنسیتی این است که ارتباط اساسی و بنیادین را بین سطوح کلان و خرده نظام اجتماعی برقرار می‌کنند که به بازار تولید هر چه بیش‌تر این موقعیت‌ها و نقش‌های نابرابر کمک می‌کند.

چافتز این تعاریف اجتماعی و فرهنگی شده از جنسیت را در سه دسته کلی تقسیم می‌کند:

۱. ایدئولوژی جنسیت: عقایدی که به تفاوت‌های اساسی و نوعاً بیولوژیکی و فیزیولوژیکی زنان و

مردان اشاره دارد.

۲. هنجارهای جنسیت: انتظاراتی که از زنان و مردان در موقعیت‌هایی که به آن‌ها اختصاص داده

می‌شود، می‌رود.

۳. تصورات قالبی جنسیت: بر جسته کردن و مبالغه در تفاوت‌های بین مردان و زنان در آن‌چه که

معمولاً در موقعیت‌ها انجام می‌دهند (صفری شال، ۱۳۸۱: ۶۷).

معمایی که فمینیست‌های روانکاوانه در صدد حل آنند، این است که چرا مردان در همه جا کوشش عظیم و خستگی ناپذیرانه‌ای را در جهت بقای مردسالاری به کار می‌بندند و چرا زنان کوشش متقابلی را در جهت مقابله با این نظام به کار نمی‌برند این نوع نظریه پردازان فمینیست به ابعادی از روان انسان توجه دارند و ضمن جستجوی مبانی توان پدر سالاری، تبیین دیگری را برای تسلط مردان بر زنان تشخیص داده‌اند. محیط اجتماعی- عاطفی که شخصیت کودکان در آن شکل می‌گیرد. مضمون این تبیین فمینیسم روانکاوانه بر محور رشد در آغاز کودکی و این واقعیت دور می‌زند که در همه جوامع بشری بچه‌ها و کودکان نخستین و تعیین کننده‌ترین دوره‌ی رشدشان را در رابطه‌ی نزدیک ناگسسته و صمیمی با یک زن، مادر یا جانشین مادرشان می‌گذرانند (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۸۵).

توان‌مند سازی فرایند پویایی است که طی آن زنان سعی می‌کنند تا ساختارهایی را که آن‌ها را در حاشیه نگاه می‌دارد، دگرگون سازند (Ugbomeh, 2001: 293). به عبارت دیگر توان‌مند سازی فرایندی است که

طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند در واقع اعتماد به نفس بیش‌تری را در خود پیدا می‌کنند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۰-۵). نظریه توان‌مند سازی بر خلاف سایر نظریه‌ها در حوزه بررسی مسایل زنان که تنها بر یکی از نقش‌های زنان تأکید دارند، به نقش‌های ۳ گانه زنان توجه دارد، یعنی علاوه بر نقش باروری و تولید مثل، به خودباوری، اعتماد به نفس، حضور و مشارکت زنان در امور خانواده و اجتماع نیز می‌پردازد. «در این نظریه، حق انتخاب در زندگی، تأثیرگذاری در انتخاب‌های انجام شده در خانواده یا جامعه، مشارکت در نوع و جهت تغییرات، دسترسی به منابع مادی و غیرمادی و کنترل منابع، همه شاخص‌های توانایی زنان و در واقع مبین مشارکت آن‌ها در ساختار جامعه است» (Bhasin, 1996: 22-45). با توجه به نظریات ارائه شده در چارچوب نظری- بالاکس نظریه‌ی ارزشی آلپورت- می‌توان مدلی را تبیین نمود که در آن بین ابعاد نظام ارزشی و میزان مشارکت رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. به بیان دیگر می‌توان گفت نظریه‌ی ارزشی آلپورت گرایش نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد؛ چراکه بر اساس این نظریه کنش‌های افراد تحت تأثیر ارزش‌های آن‌هاست و ارزش‌ها از یک سو راهنما و تعیین‌کننده‌ی گرایش‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌ها و از سوی دیگر تعیین‌کننده‌ی رفتار و کنش‌های اجتماعی هستند. بر اساس چارچوب نظری تحقیق فرضیه‌های زیر قابل طرح می‌باشند:

۱. بین ابعاد نظام ارزش‌های دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
۲. بین میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.
۳. بین ابعاد نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق و جامعه آماری

روش تحقیق مقاله حاضر پیمایشی و از نوع توصیفی - هم‌بستگی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ می‌باشد که بر اساس آمار معاونت آموزشی، این دانشگاه دارای ۳۳۸۰ نفر دانشجو در ۵ دانشکده و در ۳۴ رشته تحصیلی است که از این تعداد ۲۱۷۸ نفر دختر و ۱۲۰۲ نفر پسر می‌باشد.

تعیین اندازه نمونه آماری

برای تعیین اندازه نمونه آماری از فرمول کوکران (سرابی، ۱۳۸۴: ۱۳۳) به شرح ذیل استفاده شده است. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه آماری این تحقیق تعداد ۳۵۱ نفر از دانشجویان تعیین شد که برای جبران پرسش‌نامه‌های مخدوش و ناقص ۱۰ مورد به آن اضافه گردید که در نهایت ۳۵۲ پرسشنامه کامل برگشتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

$$n = \frac{Nt^2.P(1-P)}{Nd^2 + t^2.P(1-P)}$$

$$n = \frac{3380(3/92).(0/25)}{3380 \times (/0025) + (3/92).(./25)} = \frac{3312/4}{9/42} = 351$$

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم می‌باشد که پس از تعیین حجم نمونه، جامعه‌ی مورد نظر را به گروه‌های کوچک‌تر و متجانس تقسیم کرده و آن‌گاه بر حسب تقسیم نسبت حجم گروه نمونه به حجم هر یک از گروه‌های کوچک‌تر منشعب از جامعه‌ی مادر، اعضای گروه نمونه به طور تصادفی از هر یک از گروه‌های کوچک‌تر متجانس انتخاب گردید. به بیان دیگر پس از برآورد حجم نمونه کل، نمونه اختصاصی برای هر کدام از دانشکده‌ها به تناسب جمعیت‌شان محاسبه گردید و سپس از میان دانشجویان آن دانشکده به طور تصادفی نمونه‌گیری انجام شد.

جدول (۱): جامعه آماری و نمونه اختصاص یافته به آن‌ها

نمونه اختصاصی		تعداد دانشجویان	جنسیت	نام دانشکده
۲۱	۱۹۸	پسر	دانشکده الهیات	
۳۷	۳۵۶	دختر		
۲۲	۲۱۴	پسر	دانشکده علوم اجتماعی	
۴۹	۴۶۹	دختر		
۲۳	۳۱۸	پسر	دانشکده علوم انسانی	
۴۹	۳۷۵	دختر		
۱۸	۱۷۵	پسر	دانشکده علوم پایه	
۳۸	۳۷۰	دختر		
۲۰	۱۸۹	پسر	دانشکده فنی مهندسی	
۳۲	۳۰۸	دختر		
۲۳	۲۰۸	پسر	دانشکده کشاورزی	
۲۰	۲۰۰	دختر		
۳۵۱	۱۲۶	۳۳۸۰	۱۲۰۲	جمع
	۲۲۵		۲۱۷۸	

اعتبار^۱ و پایایی^۲ ابزار اندازه‌گیری

به منظور آگاهی از این که شاخص‌های به کار رفته تا چه حد ابزار مناسبی هستند و آیا گویه‌های مطرح و پرسش‌نامه، توان اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق را دارا است، لازم بود قبل از گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه برای تأمین اعتبار شاخص‌های به کار رفته، پس از طرح سؤالات، در اختیار متخصصان و اهل فن و اساتید دانشگاه قرار گیرد و بدین ترتیب با لحاظ دیدگاه‌ها و پیشنهادات ایشان، اعتبار صوری و محتوایی^۳ گویه‌های پرسش‌نامه تأمین گردید.

برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسش‌نامه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. پس از انجام پیش‌آزمون از روش انسجام درونی به وسیله ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش هم‌بستگی بین گویه‌های هر یک از شاخص‌ها استفاده گردید. ضریب آلفای کرونباخ بین دامنه (۱-۰) در نوسان است و ضریب ۱ بیانگر پایایی کامل سؤال‌ها و پایداری درونی آن‌هاست و ۰ (صفر) بیانگر عدم پایایی مجموعه-ای از سؤال‌های مربوط به یک متغیر است. از این رو برای به دست آوردن پایایی، پس از انجام پیش-آزمون، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردید.

تعاریف مفهومی و عملی متغیرها

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی^۵ مفهومی گسترده و با ابعاد وسیع باشد. آن متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی از سطح پایین (شهرداری، نظام آموزشی و...) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی) است. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع در بردارنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴).

تعریف عملیاتی متغیر وابسته

این متغیر در سه مقوله‌ی مشارکت از بعد همکاری با سازمان‌ها و نهادها، مشارکت مذهبی و مشارکت فرهنگی، هنری و تفریحی در نظر گرفته شده است.

1 - validity

2- Reliability

3- Content Validity

4 - pre test

5- social participation

مشارکت از بعد همکاری با سازمان‌ها و نهادها

در زمینه شاخص‌سازی این متغیر از ۸ گویه استفاده شده است که آزمون تحلیل پایایی انجام گرفته برای گویه‌های این متغیر نشان از وجود پایایی قابل قبول برای این ۸ گویه می‌باشد.

مشارکت مذهبی

از دیگر ابعاد مشارکت اجتماعی مورد نظر این مقاله، مشارکت مذهبی می‌باشد. در زمینه شاخص‌سازی این متغیر از ۶ گویه استفاده شده بود که به دلیل پایین بودن پایایی آن (۰/۳۸)، ۲ گویه حذف گردید و از ۴ گویه باقی مانده استفاده شده است که آزمون تحلیل پایایی انجام گرفته برای گویه‌های این متغیر نشان از وجود پایایی قابل قبول برای این ۴ گویه می‌باشد.

مشارکت فرهنگی، هنری و تفریحی

از دیگر ابعاد مشارکت اجتماعی مورد نظر تحقیق، مشارکت فرهنگی، هنری و تفریحی می‌باشد. در زمینه شاخص‌سازی این متغیر از ۱۰ گویه استفاده شده است که این گویه‌ها به همراه ضریب پایایی مربوط، در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲): نتیجه تحلیل پایایی مربوط به گویه‌های مشارکت فرهنگی، هنری و تفریحی

متغیر	بعد	گویه	ضریب پایایی
مشارکت اجتماعی	مشارکت از بعد همکاری با سازمان‌ها و نهادها	همکاری با شوراهای محلی حضور در برنامه‌های سازمان ملی جوانان حضور در برنامه‌های بسیج حضور در برنامه‌های هلال احمر شرکت در برنامه‌های همگانی ارگان‌ها شرکت در برنامه‌های دانشگاه شرکت در انتخابات شرکت در تشکل‌های دانشجویی	۰/۸۲
	مشارکت مذهبی	شرکت در جلسات قرآنی شرکت در نمازهای جمعه و جماعت شرکت در سخنرانی‌های مذهبی شرکت در زیارت اماکن مقدس	۰/۷۵
	مشارکت فرهنگی، هنری و تفریحی	شرکت در کلاس‌های علمی استفاده از سایت‌های علمی شرکت در همایش‌های علمی شرکت در انجمن‌های فرهنگی و هنری بازدید از موزه‌ها شرکت در انجمن‌های خیریه شرکت در برنامه‌های تفریحی حضور در کنسرت‌های موسیقی شرکت در مهمانی‌های خانوادگی حضور در باشگاه‌های ورزشی	۰/۶۵

تعریف مفهومی ارزش‌ها

ابعاد و اجزاء نظام ارزش‌ها که به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است، با توجه به مقیاس استاندارد ارزش‌های آلپورت، ورنان و لیندزی^۱ (۱۹۶۰) طراحی شده است که در جدول شماره (۳) خلاصه‌ای از محتوای تعاریف و طبقه‌بندی آن آورده شده است.

جدول (۳): خلاصه محتوا و طبقه‌بندی نظریه ارزشی آلپورت براساس نظریه اشپرانگر

نوع ارزش	خصوصیات سنخ‌ها
علمی	علاقه شدید به کشف حقیقت از نظر تجربی، انتقادی، فردگرایانه و روشنفکرانه
اقتصادی	تأکید بر ارزش‌های مفید و عملی، نمونه‌ای از تصویر قالبی
هنری	حداکثر تأکید بر شکل و توازن، لذت بردن از هر تجربه و ارزیابی آن برحسب ظرافت، تقارن و هم‌نواپی
اجتماعی	عشق به مردم، نوع‌دوستی و انسان‌گرایی
سیاسی	علاقه‌مند به قدرت و نفوذ شخصیتی و شهرت که الزاماً محدود به حوزه سیاست نیست
مذهبی	معطوف به عوالم روحانی، جستجوگر وحدت در تجربه‌ها و علاقه‌مند به درک جهان هستی بعنوان یک کل

منبع: (آناستازی، ۱۳۷۱: ۶۶۷)

تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل

ارزش‌های اقتصادی

در این پژوهش مراد از ارزش‌های اقتصادی، اهمیت دادن به مادیات، و ارجحیت برآوردن نیازهای زیستی بر مبنای کسب پول و ثروت مادی می‌باشد. بر این اساس ۷ گویه در طیف لیکرت با مقیاس شش درجه - ای (کاملاً موافقم - موافقم - تا حدودی موافقم - تا حدودی مخالفم - مخالفم - کاملاً مخالفم) برای سنجش این متغیر، به شرح جدول (۴) تنظیم گردید.

جدول (۴): نتیجه تحلیل پایایی و گویه‌های ارزش‌های اقتصادی

نام شاخص	گویه‌ها	ضریب پایایی
ارزش‌های اقتصادی	اولویت توسعه اقتصادی در برنامه ریزی‌های دولت حقوق بالا ملاک انتخاب شغل کسب اعتبار به دلیل معاشرت با افراد پول دار دردسرساز شدن دوستی با افراد بی پول حلال مشکلات بودن پول کم رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی با پول دار شدن	۰/۷۷

1- Allport, G.V, Vernon, p, E and Lindzey

ارزش‌های اجتماعی

در این پژوهش منظور از ارزش‌های اجتماعی، میزان تعهد و پای‌بندی به قواعد انسانی است. و رعایت اصول اخلاقی است. ارزش‌های اجتماعی از جمله متغیرهایی است که به عنوان متغیر مستقل و تأثیر گذار بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) در نظر گرفته شده است. در زمینه شاخص‌سازی این متغیر از ۸ گویه استفاده شده بود که به دلیل پایین بودن روایی (۰/۳۶) با حذف ۳ گویه، از ۵ گویه باقی مانده استفاده شده است که آزمون تحلیل پایایی انجام گرفته برای گویه‌های این متغیر نشان از وجود پایایی قابل قبول برای ۵ گویه ارزش‌های اجتماعی می باشد.

جدول (۵): نتیجه تحلیل پایایی و گویه‌های ارزش‌های اجتماعی

نام شاخص	گویه‌ها	ضریب پایایی
ارزش‌های اجتماعی	تمایل به فعالیت در مؤسسات عام المنفعه توافق با سیاست‌های دولت در زمینه رفاه اجتماعی پای بندی به اصول انسانی و نوع دوستی تمایل به تأسیس مرکز نگه داری کودکان معلول پای بندی به رعایت حقوق اجتماعی افراد	۰/۵۸

ارزش‌های سیاسی

در مقاله حاضر ارزش‌های سیاسی در برگیرنده‌ی تمایل به کسب قدرت و نفوذ در جامعه از طریق برخورداری از ابزارهای اقتدار می‌باشد. که به منظور سنجش آن ۷ سؤال با استفاده از طیف لیکرت و با مقیاس شش درجه‌ای تدوین گردید.

جدول (۶): نتیجه تحلیل پایایی و گویه‌های ارزش‌های سیاسی

نام شاخص	گویه‌ها	ضریب پایایی
ارزش‌های سیاسی	تمایل به کمک مالی به نامزدهای انتخاباتی تمایل به نامزدی در انتخابات مجلس تمایل به کسب پست‌های دولتی علاقه‌مندی به پیگیری تحولات سیاسی تمایل به عضویت و فعالیت در احزاب اعتقاد به آلوده بودن دنیای سیاست اعتقاد به وارد شدن به جناح بندی‌ها برای کسب اعتبار	۰/۷۴

ارزش‌های هنری

در پژوهش حاضر ارزش‌های هنری، به برخورداری از ذوق و قریحه لطیف و احساسات رقیق در برخورد با اشیاء و افراد پیرامونی اطلاق می‌گردد. که برای سنجش این متغیر، ۷ سؤال در طیف لیکرت و با مقیاس شش درجه‌ای طراحی شده است.

جدول (۷): نتیجه تحلیل پایایی و گویه‌های ارزش‌های هنری

نام شاخص	گویه‌ها	ضریب پایایی
ارزش‌های هنری	تحریک احساسات توسط آثار هنری علاقه‌مندی به فراگیری رشته‌های هنری علاقه به مطالعه مجلات هنری موافقت با تدریس هنر در مدارس تخصیص بودجه کافی به بخش هنر تمایل به معاشرت با هنرمندان تمایل به بازدید از نمایشگاه‌های هنری	۰/۷۸

ارزش‌های مذهبی

آنچه از ارزش‌های مذهبی مد نظر است، ایمان به خالق هستی و نمود، بروز و تجلی آن در اعمال و رفتار فردی و جمعی است. و بر همین قیاس، ۸ سؤال در طیف لیکرت و با مقیاس شش درجه‌ای برای سنجش آن در نظر گرفته شد.

جدول (۸): نتیجه تحلیل پایایی و گویه‌های ارزش‌های مذهبی

نام شاخص	گویه‌ها	ضریب پایایی
ارزش‌های مذهبی	اهمیت کتب آسمانی پایبندی به فرایض دینی تمایل به تحصیلات حوزوی علاقه‌مندی به زیارت اماکن مقدس موافقت با ترویج دین در رسانه‌ها ضرورت اعتقادات مذهبی برای همسر دخیل دانستن خداوند در آفرینش لزوم گرایش به معنویت در دنیای مدرن	۰/۷۱

ارزش‌های علمی

در این تحقیق ارزش‌های علمی، معطوف به جنبه‌های کشف و شناخت حقایق و سودمندی آن در حیات بشری است و بر این اساس ۵ سؤال در طیف لیکرت و با مقیاس شش درجه‌ای طراحی و تنظیم گردید.

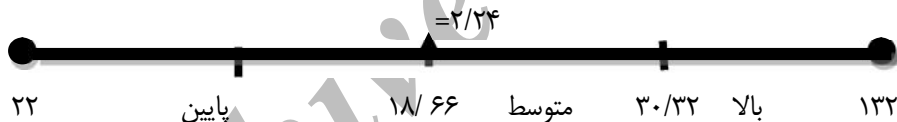
جدول (۹): نتیجه تحلیل پایایی و گویه‌های ارزش‌های علمی

نام شاخص	گویه‌ها	ضریب پایایی
ارزش‌های علمی	مفید بودن تحقیقات علمی در کشف حقیقت مفید بودن فعالیت علمی در پیشرفت تمدن بشری توجه بزرگان و رهبران جامعه به پروژه‌های علمی علاقه به مطالعه مجلات علمی اولویت توجه به توسعه علمی	۰/۶۷

یافته‌های تحقیق

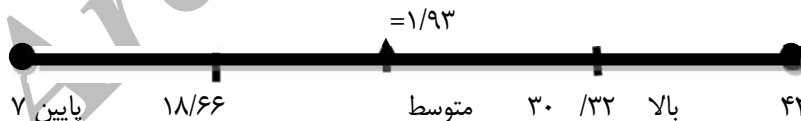
یافته‌های توصیفی

برای آن که یک نوع هم‌سانی و هم‌آهنگی منطقی بین نمرات متغیرها با طیف به کار رفته در گویه‌های پرسش‌نامه ایجاد شود، نمرات متغیرها در همه موارد در محدوده ۰ تا ۳ (نمره ۱ متناظر با سطح پایین، نمره ۲ متناظر با سطح متوسط، نمره ۳ متناظر با سطح بالا) رتبه‌بندی و در سطح مقیاس ترتیبی محاسبه شده‌است. و نمرات حداقل و حداکثر پاسخگویان بر اساس دامنه تغییرات در قالب پیوستار گزارش شده است. میانگین مشارکت اجتماعی برابر با ۲/۲۴ در محدوده ۰ تا ۳، نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی دانشجویان در سطح بالا قرار دارد.



نمودار (۱): پیوستار رتبه‌بندی شده نمرات مشارکت اجتماعی

میانگین ارزش‌های اقتصادی برابر با ۱/۹۳ در محدوده ۰ تا ۳، نشان می‌دهد که ارزش‌های اقتصادی دانشجویان در سطح متوسط رو به بالا قرار دارد.



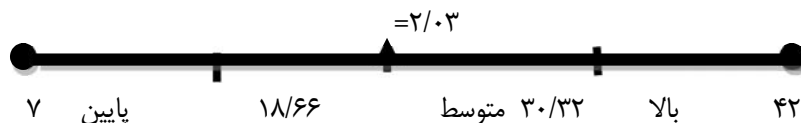
نمودار (۲): پیوستار رتبه‌بندی شده نمرات ارزش‌های اقتصادی

میانگین ارزش‌های اجتماعی برابر با ۱/۵۷ در محدوده ۰ تا ۳، نشان می‌دهد که ارزش‌های اجتماعی دانشجویان در سطح متوسط قرار دارد.



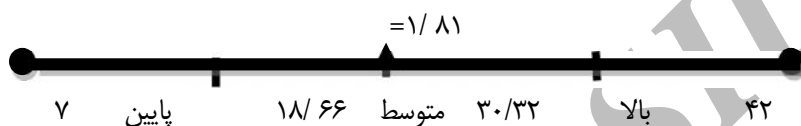
نمودار (۳): پیوستار رتبه‌بندی شده نمرات ارزش‌های اجتماعی

میانگین ارزش‌های سیاسی برابر با $2/03$ در محدوده ۰ تا ۳، نشان می‌دهد که ارزش‌های سیاسی دانشجویان در سطح تقریباً بالا قرار دارد.



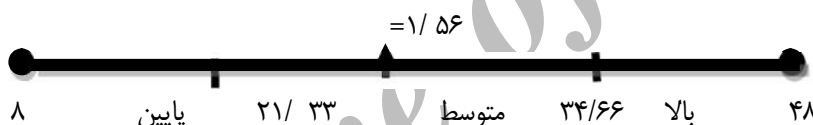
نمودار (۴): پیوستار رتبه‌بندی شده نمرات ارزش‌های سیاسی

میانگین ارزش‌های هنری برابر با $1/81$ در محدوده ۰ تا ۳، نشان می‌دهد که ارزش‌های هنری دانشجویان در سطح متوسطی قرار دارد.



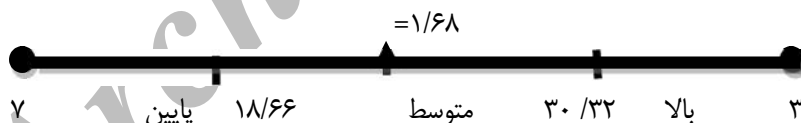
نمودار (۵): پیوستار رتبه‌بندی شده نمرات ارزش‌های هنری

میانگین ارزش‌های مذهبی برابر با $1/56$ در محدوده ۰ تا ۳، نشان می‌دهد که ارزش‌های هنری دانشجویان در سطح متوسط قرار دارد.



نمودار (۶): پیوستار رتبه‌بندی شده نمرات ارزش‌های مذهبی

میانگین ارزش‌های علمی برابر با $1/68$ در محدوده ۰ تا ۳، نشان می‌دهد که ارزش‌های علمی دانشجویان در سطح متوسط قرار دارد.



نمودار (۷): پیوستار رتبه‌بندی شده نمرات ارزش‌های علمی

آزمون فرضیه‌ها

تفاوت بین ابعاد نظام ارزش‌های دانشجویان دختر و پسر

از آن جایی که نظام ارزش‌های مستخرج از مبانی نظری، متشکل از ابعاد شش‌گانه می‌باشد. لذا برای آزمون تفاوت آن در بین دانشجویان دختر و پسر از روش آماری t برای دو گروه مستقل استفاده شده است. بدین صورت که تفاوت تک تک ابعاد نظام ارزش‌ها به آزمون گذاشته و تحلیل گردید که نتایج مطابق جدول (۱۰) بیانگر تأیید فرضیه می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت نظام

ارزش‌های دانشجویان دختر و پسر در ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و هنری متفاوت بوده و در ارزش‌های مذهبی و علمی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

جدول (۱۰): نتایج آزمون t مربوط به متغیرهای مستقل

متغیرها	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t		
				t	df	sig
ارزش اقتصادی	پسر	۲۱/۴۰	۴/۶۰	۳/۰۴۷	۱۵۱	۰/۰۰۹
	دختر	۱۹/۱۹	۴/۲۶			
ارزش‌های اجتماعی	پسر	۱۱/۵۵	۳/۶۳	۲/۱۱۱	۱۵۱	۰/۰۳۶
	دختر	۱۰/۴۰	۳/۰۸			
ارزش‌های سیاسی	پسر	۲۴/۹۱	۵/۹۷	-۲/۰۳۳	۱۵۱	۰/۰۴۴
	دختر	۲۷	۶/۳۴			
ارزش‌های هنری	پسر	۲۰/۱۶	۶/۲۲	۲/۴۷۹	۱۵۱	۰/۰۱۴
	دختر	۱۷/۶۶	۶/۰۳			
ارزش‌های مذهبی	پسر	۱۸/۷۲	۶/۴۸	۱/۹۴۰	۱۵۱	۰/۰۵۴
	دختر	۱۶/۸۱	۵/۵۷			
ارزش‌های علمی	پسر	۱۱/۲۱	۳/۳۵	-۱/۸۸۶	۱۵۱	۰/۰۶۱
	دختر	۱۲/۲۷	۳/۴۲			

تفاوت بین میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر

برای آزمون این فرضیه از آزمون t برای دو گروه مستقل استفاده شده است. نتایج مطابق جدول (۱۱) گویای آن است که میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان پسر از مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر کمتر می‌باشد. نتایج آزمون میزان مشارکت اجتماعی نشان داد که مقدار $t = -۲/۶۶$ با درجه آزادی ۱۵۱ در سطح $p = ۰/۰۰۹$ معنادار می‌باشد. یعنی بین دانشجویان دختر و پسر در متغیر مشارکت

اجتماعی تفاوت معناداری در سطح $p=0/05$ وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر متفاوت است. و فرضیه اصلی تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود. هم‌چنین نتایج آزمون ابعاد مشارکت اجتماعی که در سه بعد مشارکت از بعد همکاری سازمانی، مشارکت مذهبی و مشارکت فرهنگی، علمی و تفریحی، تفکیک گردیده است، نشان داد که مشارکت از بعد همکاری با سازمان‌ها و نهادها و مشارکت فرهنگی، علمی و تفریحی در دو گروه دختران و پسران معنادار می‌باشد. یعنی بین دانشجویان دختر و پسر در این دو بعد تفاوت معناداری وجود دارد. اما برای مشارکت مذهبی رابطه معنادار نمی‌باشد. یعنی بین دانشجویان دختر و پسر در بعد مشارکت مذهبی تفاوت معناداری وجود ندارد. و میانگین میزان مشارکت دانشجویان پسر در هر سه بعد از میانگین مشارکت دانشجویان دختر کمتر می‌باشد.

جدول (۱۱): نتایج آزمون t مربوط به متغیر وابسته و ابعاد آن

متغیرها	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t		
				t	df	sig
مشارکت اجتماعی	پسر	۷۲/۱۱	۱۸/۱۷	-۲/۶۶۶	۱۵۱	۰/۰۰۹
	دختر	۸۰/۶۷	۲۰/۲۳			
مشارکت از بعد همکاری سازمانی	پسر	۳۷/۹۶	۹/۸۸	-۲/۴۵۳	۱۵۱	۰/۰۳۶
	دختر	۳۱/۸۹	۹/۵۵			
مشارکت مذهبی	پسر	۱۲/۴۲	۵/۱۴	-۱/۳۷۹	۱۵۱	۰/۱۷۰
	دختر	۱۳/۶۳	۵/۳۸			
مشارکت فرهنگی هنری تفریحی	پسر	۳۱/۷۲	۷/۲۹	-۲/۳۵۲	۱۵۱	۰/۰۲۰
	دختر	۳۵/۱۵	۹/۷۱			

رابطه بین ابعاد نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان

برای آزمون رابطه بین ابعاد نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. مطابق جدول (۱۲) نتایج به دست آمده از این آزمون برای ارزش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی ($r = -0/023$) در سطح معنی‌داری به دست آمده ($p=0/666$) بیشتر از سطح معنی‌داری مورد نظر ($0/05 =$) می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که بین دو متغیر ارزش‌های اقتصادی و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ۳۰ درصد دانشجویانی که در سطوح ارزش‌های اقتصادی در سطح بالا، ۲۷/۵ درصد دانشجویانی که در سطح متوسط و ۳۶/۴ درصد دانشجویانی که در سطح پایین قرار دارند، مشارکت اجتماعی بالایی دارند.

رابطه بین ارزش‌های اجتماعی دانشجویان مورد مطالعه و میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در سطح $0/016$ معنادار است. جهت رابطه مثبت و شدت آن $0/129$ است. $72/7$ و $27/3$ درصد دانشجویانی که در سطوح

ارزش‌های اجتماعی در سطح بالا قرار دارند، به ترتیب مشارکت اجتماعی بالا و متوسطی دارند. ملاحظه می‌شود که با بالا رفتن سطح ارزش‌های اجتماعی میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد. و تنها ۴/۴ درصد افرادی که در سطح ارزش‌های اجتماعی پایین قرار دارند، مشارکت اجتماعی پایینی داشته‌اند.

رابطه بین ارزش‌های سیاسی جمعیت نمونه و میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در سطح ۰/۰۲۵ معنادار است. جهت رابطه مثبت و شدت آن ۰/۱۲۰ است. ۳۹/۵ و ۶۰/۵ درصد دانشجویانی که در سطوح ارزش‌های اجتماعی در سطح بالا قرار دارند، به ترتیب مشارکت اجتماعی بالا و متوسطی دارند. با بالا رفتن سطح ارزش‌های سیاسی سطح مشارکت اجتماعی نیز بالا می‌رود. و تنها ۱۱/۱ درصد دانشجویانی که در سطوح ارزش‌های سیاسی در سطح پایینی قرار دارند از مشارکت اجتماعی پایینی برخوردارند. نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون برای ارزش‌های هنری نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی ($r=0/05$) در سطح معنی‌داری به دست آمده ($p=0/351$) بیشتر از سطح معنی‌داری مورد نظر ($=0/05$) می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که بین دو متغیر ارزش‌های هنری و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ۲۳/۳ و ۷۶/۷ درصد دانشجویانی که در سطوح ارزش‌های هنری در سطح بالا قرار دارند، به ترتیب مشارکت اجتماعی بالا و متوسطی دارند.

رابطه بین ارزش‌های مذهبی دانشجویان مورد مطالعه و میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است. جهت رابطه مثبت و شدت آن ۰/۱۹۷ است. ۵۰ درصد دانشجویانی که در سطوح ارزش‌های مذهبی در سطح بالا قرار دارند، مشارکت اجتماعی بالا و ۵۰ درصد دانشجویان این سطح، مشارکت اجتماعی متوسطی دارند. با بالا رفتن سطح ارزش‌های مذهبی سطح مشارکت اجتماعی نیز بالا می‌رود. تنها ۲۰ درصد کسانی که در سطوح ارزش‌های مذهبی در سطح پایین قرار دارند دارای مشارکت اجتماعی بالایی هستند.

رابطه بین ارزش‌های علمی دانشجویان و میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در سطح ۰/۰۱۲ معنادار است. جهت رابطه مثبت و شدت آن ۰/۱۳۴ است. ۹۱/۷ درصد دانشجویانی که در سطوح ارزش‌های علمی در سطح بالا قرار دارند، مشارکت اجتماعی متوسطی دارند. و ۸/۳ درصد از افراد با سطح ارزش‌های بالا، از سطح مشارکت اجتماعی بالا برخوردارند. بر این اساس می‌توان گفت اغلب دانشجویانی که در سطح ارزش‌های بالا قرار دارند از مشارکت اجتماعی در سطح متوسطی برخوردارند.

جدول (۱۲): درصد مشارکت اجتماعی بر حسب سطوح ابعاد نظام ارزش‌ها

ضرایب و مقادیر	سطوح مشارکت اجتماعی			متغیرها
	پایین	متوسط	بالا	
$r = -0.23$ $Sig = 0.066$ $n = 352$	۰	۷۰	۳۰	بالا
	۴/۲	۶۸/۳	۲۷/۵	متوسط
	۶/۱	۵۷/۶	۳۶/۴	پایین
$r = 0.129$ $Sig = 0.016$ $n = 352$	۰	۲۷/۳	۷۲/۷	بالا
	۴/۴	۶۵/۷	۲۹/۸	متوسط
	۴/۴	۷۱/۹	۲۳/۸	پایین
$r = 0.120$ $Sig = 0.025$ $n = 352$	۰	۶۰/۵	۳۹/۵	بالا
	۴/۲	۶۸/۳	۲۷/۵	متوسط
	۱۱/۱	۶۶/۷	۲۲/۲	پایین
$r = 0.016$ $Sig = 0.759$ $n = 352$	۰	۷۶/۷	۲۳/۳	بالا
	۴/۴	۶۶/۱	۲۹/۵	متوسط
	۱۱/۱	۶۷/۴	۲۷/۴	پایین
$r = 0.197$ $Sig = 0.000$ $n = 352$	۰	۵۰	۵۰	بالا
	۲/۳	۶۳/۲	۳۴/۵	متوسط
	۶/۶	۷۲/۹	۲۰/۵	پایین
$r = 0.134$ $Sig = 0.012$ $n = 352$	۰	۹۱/۷	۸/۳	بالا
	۳/۲	۶۱/۶	۳۵/۲	متوسط
	۶/۵	۷۵	۱۸/۵	پایین

بحث و نتیجه‌گیری

مفاهیم ارزش‌ها به عنوان عالی‌ترین عنصر ساختار فرهنگی و مشارکت اجتماعی به عنوان حیاتی‌ترین مؤلفه‌ی زندگی اجتماعی بشر، از مقولات مهم و اساسی در حوزه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی می‌باشد. این پژوهش در صدد بررسی رابطه بین نظام ارزش‌ها و مشارکت اجتماعی دانشجویان با نگاه جنسیتی می‌باشد. در این راستا پس از طرح مسئله به بررسی دیدگاه‌های نظری گوناگون و تبیین‌کننده در زمینه مشارکت و نظام ارزش‌ها و قشربندی جنسیتی پرداخته شده است. با توجه به تأکید تحقیق بر نگاه جنسیتی سعی بر آن بود که رابطه کنش‌های اجتماعی افراد در افق اولویت‌ها و ترجیحات ارزشی آنان مورد بررسی قرار گیرد.

از نتایج مطالعه حاضر بالا بودن میزان مشارکت اجتماعی زنان از مردان است که این امر با مدل مشارکتی لیپست که مدعی پیشی گرفتن مردان بر زنان در زمینه‌ی مشارکت است، همسو نمی‌باشد. دلیل این امر می‌تواند بروز و ظهور نشانه‌هایی از افزایش توانمندی‌های زنان در عرصه‌های مشارکتی باشد؛ چراکه بر اساس نظریه توانمندسازی، زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار شده و اعتماد به نفس بیش‌تری را در خود پیدا می‌کنند و این امر به نوبه‌ی خود زمینه‌های بروز رفتار مشارکتی در زنان را افزایش می‌دهد. از آن جایی که میانگین مشارکت اجتماعی دختران بیش از پسران می‌باشد، این امر ضرورت پرداختن به الزامات و پیش‌نیازهای مشارکت همگانی را دوچندان می‌کند؛ و در همین راستا لازم می‌نماید تا زمینه‌های بهره‌گیری کافی و وافی از این ظرفیت موجود پیش‌بینی گردیده و طرح‌ها و برنامه‌هایی همانند تسهیل در ورود زنان به دانشگاه‌ها و سازمان‌ها و انجمن‌ها، اندیشیده شود.

مطابق یافته‌ها، سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان گویای اولویت ارزش‌های اقتصادی و سیاسی بر دیگر ارزش‌هاست، که دلیل آن ناشی از لزوم پرداختن به نیازهای معیشتی و شخصیتی افراد و ضرورت تأمین نیازهای مادی آنان است. چراکه مطابق نظریه ارزشی اینگلههارت و فرضیه کمیایی، نیازهای ارضا نشده مادی بر نیازهای ذهنی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی تقدم دارند. و عدم تأمین نیازهای زیستی و معیشتی راه را بر بالندگی نگرش‌های غیرمادی افراد می‌بندد. مضاف بر آن پارسونز معتقد است که در سلسله مراتب سایبرنتیکی خرده نظام‌های کنش، خرده نظام زیستی و نظام شخصیت با کارکرد دست‌یابی به هدف و انطباق‌پذیری، انرژی لازم را برای خرده نظام‌های بالاتر تأمین می‌کنند. یافته‌های این تحقیق در مورد سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان با نتایج و یافته‌های کاوه تیموری (۱۳۷۷) هم‌خوانی ندارد.

بر اساس نتایج تحقیق می‌توان گفت نظام ارزش‌های دانشجویان دختر و پسر در ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و هنری متفاوت بوده و در ارزش‌های مذهبی و علمی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر نیز متفاوت است. و یافته‌ها نشان دهنده‌ی آن است که میزان مشارکت دانشجویان دختر و پسر در مشارکت از بعد همکاری با سازمان‌ها و نهادها و مشارکت فرهنگی، هنری و تفریحی متفاوت است اما از نظر مشارکت مذهبی تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید. چافتر اعتقاد بر کنترل مردان بر منابع مادی و قدرت و توجیه ایدئولوژیک این موقعیت‌های نابرابر دارد. بر این اساس دلیل تفاوت در نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر، وجود فرهنگ و ارزش‌های مرد سالارانه در جامعه می‌باشد که تأثیر آن بر میزان و نوع مشارکت زنان و مردان انکار ناپذیر است. فمینیست‌های رایکال محیط اجتماعی - عاطفی دوران کودکی - که سازنده شخصیت و کنش‌های اجتماعی اوست - را در تبیین تفاوت میان ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌های مردان و زنان مؤثر می‌دانند. براین اساس از دیگر دلایل تفاوت ارزشی و مشارکتی مشاهده

شده در نتایج، به جامعه‌پذیری افراد در دوران کودکی و نوجوانی مربوط می‌شود. افراد بر اساس فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه، خانواده و در کل محیط اجتماعی - عاطفی پیرامون‌اش واجد کنش‌ها و گزینش‌های متفاوت در زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد.

نتایج یافته‌ها در زمینه‌ی رابطه میان ابعاد نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی، حاکی از آن است که رابطه‌ی معنی‌داری میان سطوح ارزش‌های اقتصادی و میزان مشارکت اجتماعی در میان دانشجویان مورد مطالعه وجود ندارد و نتیجه آزمون هم‌بستگی میان سطوح ارزش‌های اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی، بیانگر آن است که رابطه‌ی معنی‌دار بین این دو متغیر وجود دارد و با بالا رفتن سطح ارزش‌های اجتماعی میزان مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. رابطه‌ی میان ارزش‌های سیاسی و مشارکت اجتماعی در میان دانشجویان مورد مطالعه، مورد آزمون قرار گرفت که نتیجه آزمون هم‌بستگی بیانگر آن است که رابطه‌ی معنی‌دار بین این دو متغیر وجود دارد و جهت هم‌بستگی بین این دو متغیر مثبت و در حد پایین می‌باشد. در زمینه‌ی رابطه‌ی میان سطوح ارزش‌های هنری و مشارکت اجتماعی، نتایج بیانگر آن است که رابطه‌ی معنی‌دار بین این دو متغیر وجود ندارد. و نتایج آزمون رابطه میان سطوح ارزش‌های مذهبی و مشارکت اجتماعی بیانگر آن است که رابطه‌ی معنی‌دار بین این دو متغیر وجود دارد. رابطه بین سطوح ارزش‌های علمی و مشارکت اجتماعی در میان دانشجویان جمعیت نمونه، مورد آزمون قرار گرفت که نتیجه آزمون بیانگر آن است که رابطه‌ی معنی‌دار بین این دو متغیر وجود دارد.

در زمینه‌ی رابطه میان ابعاد نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی می‌توان چنین بیان کرد که از میان ابعاد شش‌گانه نظام ارزش‌ها، ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و علمی با میزان مشارکت اجتماعی در ارتباط معنی‌دار بوده و ارزش‌های اقتصادی و هنری با میزان مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌دار ندارد. آلپورت معتقد بود که آدمی ارزش‌هایش را می‌شناسد و این که کدام یک از ارزش‌ها از قدرت و تسلط بیشتری بر رفتار داشته باشند، انگیزه حرکت انسان را شکل می‌دهند. این نظریه تصدیقی بر یافته‌ها می‌باشد، چراکه وجود رابطه بین ارزش‌های گوناگون با انواع مختلفی از مشارکت بیان‌گر این-امر است که ارزش‌های گوناگون محرک و مشوق انگیزه‌هایی خاص‌اند که آن انگیزه‌های خاص خود در گزینش و انتخاب و در کل مشارکت فرد نقشی به سزا ایفا می‌کنند.

در مدل مشارکتی لیپست اعتقاد بر آن است که میزان مشارکت در فرآیندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیل‌کرده، متأهلین، شهرنشینان، افراد میان‌سال و نیز افراد دارای منزلت و هم‌چنین اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراهای بیشتر است. مطابق یافته‌های تحقیق میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان در حد بالایی است. این امر را می‌توان تصدیقی بر مرتبط بودن فرآیندهای مشارکت با گروه‌های تحصیل‌کرده، در نظریه‌ی لیپست محسوب کرد. دلیل آن می‌تواند در گیرشدن قشر تحصیل‌کرده در فرایند جامعه‌پذیری و نوع آموزش‌هایی باشد که در برنامه‌های درسی موجود است.

به عنوان نتیجه کلی می‌توان چنین بیان کرد که دانشجویان دختر از میزان مشارکت بالایی نسبت به پسران برخوردارند. اهمیت یافتن مشارکت همگانی، لزوم پرداختن به الزامات و پیش‌نیازهای مشارکت

اجتماعی، ضرورت بهره‌مندی از نیروی انسانی نیمی از افراد جامعه و افزایش اعتماد به نفس زنان در طی فرایند توان‌مندسازی - علی‌رغم وجود فرهنگ مردسالارانه- از جمله دلایل این امر می‌تواند باشد. دانشجویان دختر و پسر از لحاظ نظام ارزش‌ها و میزان مشارکت اجتماعی با هم متفاوت هستند. این تفاوت به سبب تنوع در میزان و نوع جامعه‌پذیری افراد و نیز گوناگونی محیط‌های عاطفی - اجتماعی می‌تواند باشد. نظام ارزش‌های دانشجویان با میزان مشارکت آنان در ارتباط می‌باشد از این روی نظام ارزش‌های متنوع و متعدد می‌تواند کنش‌ها، و انتخاب‌های متفاوتی به دنبال داشته باشد؛ چرا که نظام ارزش‌ها در عمل راهنما و تعیین‌کننده‌ی رفتارها و کنش‌های افراد می‌باشد.

منابع

- آنا ستازی، ا. (۱۳۷۱). **روان‌آزمایی**. ترجمه: محمد نقی براهنی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). **فرهنگ و دموکراسی**. ترجمه: علی مرتضویان. ارغنون، شماره بیستم.
- باور، یوسف. (۱۳۷۴). «**بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی- اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز بر نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز.
- توسلی، غلام‌عباس. (۱۳۸۲). **مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک**. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- تیموری، کاوه. (۱۳۷۷). **بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و بدران و عوامل مرثر بر آن در شهر تهران**. تهران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۷۵). **مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه**. تهران، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۱۱۰-۱۰۹، موسسه اطلاعات.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۲). **توسعه و تضاد**. تهران، شرکت سهامی انتشارات.
- روشه، گی. (۱۳۷۶). **کنش اجتماعی**. ترجمه: هما زنجانی زاده. مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی. چاپ چهارم.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۲). **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران، انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر و امیر پناهی، محمد. (۱۳۸۵). **ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی**. مجله پژوهش زنان، دوره چارم، شماره سوم، ۶۰-۳۱.
- سرایبی، حسن. (۱۳۸۴). **مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق**. تهران، انتشارات سمت.
- سفیری، خدیجه و شریفی، نیره. (۱۳۸۴). **بررسی سلسله مراتب ارزشی دانشجویان و رابطه آن با گروه‌های مرجع**. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، ۱۰۵-۷۷.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۲). **مشارکت اجتماعی زنان**. مجله پژوهش زنان، سال ۳، شماره ۷.

- شولتز، د، شولتز، س. (۱۳۸۶). *نظریه های شخصیت*. ترجمه: یحیی سید محمدی. تهران، نشر ویرایش، ویراست هفتم.
- شیری، محمد. (۱۳۸۳). *بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان*. پایان نامه کارشناسی. تبریز، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی.
- صفری شال، رضا. (۱۳۸۱). *عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر میزان مشارکت زنان روستایی*. طرح اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان.
- قنبری، وجیهه. (۱۳۸۰). *زنان در پست های مدیریتی*. روزنامه خراسان، شماره ۱۵۰.
- کتابی، محمود. (۱۳۸۲). *توانمند سازی زنان بر مشارکت در توسعه*. فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، پاییز، ۵-۳۰.
- کرایب، یان. (۱۳۷۸). *نظریه های اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*. ترجمه: عباس مخبر. تهران، انتشارات آگاه.
- Allport, G: V, Vernon, p, E and Lindzey(1960). *study of Values*, Boston. Houghton Mifflin Company.
- Uqbomeh. Georg M.M (2001). **Empowering Women in Agriculture Sustainable Rural development, Community development Education** for Journal 36 (4) :292-300.
- Vicheka, Lay. (2005). **Cambodian Women and Barriers to Social Participation**. Web page, 3January. Retrieved 29 May 2007.
- Willinger, Beth: **Women in Higher Education in LOUISTANA**, online Available.
- Bhasin J.K (1996), **The Goal Is Employment of Human Values: Development and Education in South Asia** , Adult Challenges for Women PP.22-45 , Education and Development.